

## الدراسات الفقية المقارنة

سنة الثالث، رقم الخامس، الربيع والصيف ١٤٠٢ ش

10.22034/FIQH.2023.379792.1126

# مقارنة أفكار المفسرين الإمامية وأهل السنة في آيات وروايات محرمات النكاح

علي غضنفری

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٢/٠٤/٠٦؛ تاريخ القبول: ١٤٠٢/٠٦/١٠ هـ ش]

## الملخص

هناك العديد من التشابهات والاختلافات التفسيرية في المسائل الفقهية بين الشيعة وأهل السنة. يهدف هذا النص إلى الإجابة على الأسئلة حول التشابهات والاختلافات في محرمات النكاح ويهدف إلى إلقاء نظرة مقارنة على آراء علماء الطرفين. قام الكاتب بجمع معلومات مكتوبة من مصادر تفسيرية وفقهية لعلماء الإمامية والسنة بأسلوب وصفي تحليلي، ويقوم بدراسة آراء علماء الإمامية والسنة في النصوص الفقهية لهم مع عرض الآيات ومفاهيم الروايات. تمت دراسة قضايا المحارم في النكاح، بما في ذلك المحارم النسبية، والمحارم السببية الدائمة والمؤقتة، والمحارم الرضائع، وأيضاً المحارم غير المتعلقة بالنكاح مثل الكفر، والإحصان، والزنا، وإكمال العدد، والطلاق الثالث، واللعان، والعدة، والإحرام لأداء العمرة والحج. في الختام، تم استنتاج أن الاختلافات الفقهية تقتصر على القضايا التي لا يوجد لها نص خاص في الآيات والروايات النبوية، وأن العلماء قد قاموا بتفسير الظواهر القرآنية والأحاديث بناءً على القرائن واستفادوا من روايات الأئمة الطاهرين (عليهم السلام) أو تمسكوا بالاستحسان في بعض الأحيان.

**الكلمات المفتاحية:** آيات الأحكام، التفسير، الفقه، النكاح، الإمامية، أهل السنة، الفريقين.

## مقایسه اندیشه مفسران امامیه و اهل سنت در آیات و روایات محرمات نکاح

علی غضنفری<sup>۱</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۰]

### چکیده

اشتراک‌ها و اختلاف‌های تفسیری بسیاری در مسائل فقهی بین شیعه و اهل سنت وجود دارد؛ این نوشتار پاسخ به پرسش درباره اشتراک‌ها و افتراق‌های محرمات نکاح است و هدف آن نگاهی تطبیقی به دیدگاه‌های اندیشمندان دو گروه است. نگارنده با روش توصیفی-تحلیلی به گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای از منابع تفسیری و فقهی عالمان امامیه و سنت پرداخته است و ضمن طرح آیات و مضامین روایات، در پی بررسی دیدگاه‌های عالمان امامیه و سنت در متون فقهی آنان است. در محرمات نکاح مباحث محارم نسبی، محارم سببی دایم و موقت، محارم رضاعی و نیز محارم غیرمربوط به نکاح مانند کفر، احسان، زنا، اکمال عدد، طلاق سوم، لعان، عده و احرام عمره و حج بررسی شده است؛ درنهایت این نتیجه گرفته شده است که اختلاف‌های فقهی محدود به مواردی است که نص خاصی درباره آن در آیات و روایات نبوی وجود ندارد و اندیشمندان با توجه به قراین به تبیین ظواهر قرآنی و حدیثی پرداخته‌اند و از روایات ائمه طاهریین (ع) بهره برده‌اند یا گاهی به استحسان تمسک کرده‌اند.

**کلیدواژه‌ها:** آیات الأحكام، تفسیر، فقه، نکاح، امامیه، اهل سنت، فریقین.

---

۱. دانشیار گروه علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن، تهران، ایران [ali@qazanfari.net](mailto:ali@qazanfari.net)

## مقدمه

انسان موجودی اجتماعی است و خانواده که مرکب از حداقل دو نفر است، اولین واحد اجتماعی است؛ بنابراین ازدواج که همسویی با فطرت انسان است، از سوی همه ادیان و آیین‌ها پذیرفته و ممدوح دانسته شده است. بی‌شک قرآن و روایات به این مهم و جزئیات آن از جمله شروط و موانع تحقق آن پرداخته‌اند تا انحرافی صورت نگیرد؛ از جمله بیان محرمات نکاح که در قرآن و سنت به تفصیل طرح شده است و جزئیات آن در تفاسیر و کتب اندیشمندان مذاهب مختلف اسلامی بررسی دقیق شده است. بررسی تطبیقی این دیدگاه‌ها می‌تواند مقدار اشتراک و افتراق مذاهب را روشن کند و راه را برای گفتگو درباره مسائلی دیدگاه‌ها هموار نماید. در این مقاله آیات مربوط به محرمات نکاح و روایات آن در منبع شیعه و سنت بررسی شده است و دیدگاه اندیشمندان برای یافتن محل و مبانی اختلاف معین شده است.

## ۱. مفاهیم نظری

### ۱-۱. آیات فقهی

«آیه» در لغت به معنای نشانه آشکار و در اصطلاح عبارتی از قرآن است که حکایت از عظمت خدا و نبوت پیامبر مکرم نماید. واژه فقه در لغت به معنای فهم و درک کردن و در اصطلاح به دانشی گفته می‌شود که احکام عملی و تکالیف دینی مسلمان را بیان کند و موضوع آن افعال اختیاری مکلفان است. کلمه «حکم» نیز با وجود داشتن معانی متفاوتی مانند قضا، استوار حکیم و ...، در اینجا به معنای انشای امر از سوی شارع است (ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۱۴، ص ۱۶۲؛ فاروقی، ۱۹۹۱: ج ۱، ص ۲۲). این عبارت در اصطلاح به آیاتی از قرآن اطلاق می‌شود که دربرگیرنده فرمانی عملی از سوی خدا باشد. تعداد این آیات

در نگاه اندیشمندان متفاوت است؛ اما آنچه نگارنده به آن اذعان دارد، ۲۶۸ مورد است که به تفصیل در کتاب آیات فقهی قرآن آمده است (غضنفری، ۱۳۹۹: ص ۵۶).

### ۱-۲. نکاح

«نکاح» در لغت به معنای تلاقی و برخورد دو چیز است (جوهری، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۴۱۳؛ ابن اثیر، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۱۱۴) و در اصطلاح معادل واژه‌هایی مانند «زواج»، «متعّه» و «عقد» و به معنای عقد ازدواج دانسته شده است که حاصل آن محرمیت شرعی و جواز آمیزش جنسی است؛ نیز به معنای عقد ازدواج آمده است (نجفی، ۱۳۶۸: ج ۲۹، ص ۷-۸؛ راغب اصفهانی، ۱۳۷۸: ص ۵۰۶).

### ۱-۳. محرمات

واژه «حرم» به معنای منع (ابن فارس، ۱۳۶۶: ج ۲، ص ۴۵؛ ابن منظور، ۱۴۰۵: ج ۳، ص ۱۳۸) و مراد در اینجا تمام آن چیزی است که شارع به تصریح یا ظاهر محفوف به قرینه آن را در نکاح ممنوع دانسته است؛ چه آنچه موجب بطلان نکاح شود یا اثر تکلیفی نداشته باشد.

### ۲. آیات محرمات نسبی و سببی

کسانی که به دلیل قرابت نسبی، ازدواج با آنان حرام شده است و نیز کسانی که به دلیل ازدواج‌ها بر زن و مرد حرام شده‌اند، در این آیات طرح شده است:

الف) «وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا. حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ

الأختِ وَأُمَّهَاتِكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتِكُم مِّن الرِّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُم مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا رَّحِيمًا (نساء: ۲۲ - ۲۳): با زنانی که پدران شما با آنها ازدواج کرده‌اند، هرگز ازدواج نکنید؛ مگر آنچه در گذشته انجام شده است؛ زیرا این کار عملی زشت و تنفرآور و راه نادرستی است. بر شما حرام شده است مادران تان و دختران و خواهران و عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر شما و مادرانی که شما را شیر داده‌اند و خواهران رضاعی شما و مادران همسران تان و دختران همسران که در دامن شما پرورش یافته‌اند از همسرانی که با آنها آمیزش جنسی داشته‌اید و چنانچه با آنها آمیزش جنسی نداشته‌اید، [دختران آنها] برای شما مانعی ندارد و همسرهای پسران تان که از نسل شما هستند و جمع میان دو خواهر کنید؛ مگر آنچه در گذشته واقع شده؛ چراکه خداوند آمرزنده و مهربان است».

#### ۲-۱. محرمات نسبی

محرمات نسبی شامل مادر و طبقات قبل از آن، دختر و طبقات بعد از آن، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر و دختر خواهر اعم از پدری یا مادری یا هر دو و موارد با واسطه و بی واسطه است. ازدواج با اقسام هفت‌گانه مذکور به واسطه نسب و رحم به اتفاق فریقین حرام است و تحریم آنها از نظر مفسران و فقها ابدی است؛ چه اینکه این افراد به عقد صحیح قرابت یافته باشند و چه از طریق غیرشرعی چنین قرابتی ایجاد شده باشد (رازی، ۱۴۲۰: ج ۱۰، ص ۲۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۳۱۹؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۳۱۰؛ ابن قدامه، [بی تا]: ج ۳، ص ۱۷۵). محقق حلی در شرایع آورده است: «محرم می‌شوند به سبب نسب هفت گروه از زنان؛ مادر، مادر بزرگ پدری یا مادری و هر چقدر بالاتر برود، دختری که از نطفه باشد و

دختران او تا هر چقدر که پایین تر بیاید، دختران پسر و هر چقدر پایین تر، خواهران و فرقی ندارد که پدری یا مادری یا ابوینی باشند، دختران خواهر و دختران دختران او، عمه‌ها و فرقی ندارد که عمه‌ها خواهران تنی یا ناتنی پدرش باشند، خواهران اجداد او تا هر چقدر که بالاتر روند، خاله‌های او که تنی یا ناتنی باشند و خاله‌های پدر یا مادرش و دختران برادرش و فرقی ندارد برادرش تنی یا ناتنی باشد و فرقی ندارد که دختران نطفه‌ای او باشند یا دختران دختر او یا دختران پسر او و دختران اینان و هر چقدر پایین تر روند؛ همچنین مثل این موارد از مردان بر زنان حرام هستند، پس پدر هر چقدر بالاتر رود، و فرزند هر چقدر پایین تر آید و برادر و پسر برادر و پسر خواهر و عمو و دایی و عموی عمو و دایی تا هر چقدر که بالا بروند، همگی بر زن محرم هستند» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۲۲۴). همچنین علامه حلی در قواعد الأحکام ضابطه‌ای کلی در این باره ارائه داده است. «و ضابط این است که بر مرد تمام اصول و فروعش حرام می‌شود و فروع اول هر اصل نیز حرام می‌شود و اولین فرع از هر اصل نیز حرام می‌شود تا هر قدر که بالاتر رود» (حلی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۱۹).

## ۲-۲. محرمات سببی

محرمات سببی یا سببی دایمی هستند یا به دلیل چیزی خاص سببیت حاصل شده است؛ بنابراین سببیت موقت گفته می‌شود.

### ۲-۲-۱. محارم سببی دائمی

محارم سببی دایمی عبارت‌اند از: مادر زن، دختر زن، زن پسر و زن پدر. همه فرق اسلامی اتفاق نظر دارند زن پدر بر فرزند و نوه‌ها به محض عقد حرام می‌شود (ابن قدامه، [بی تا]: ج ۷، ص ۴۴۷؛ ابن قدامه مقدسی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۴۷۵؛ شهید

ثانی، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۲۴۱؛ شهید ثانی، ۱۴۰۱: ج ۵، ص ۱۷۶؛ همچنین همه فرق اسلامی اتفاق نظر دارند زن فرزند بر پدر و پدر بزرگ به مجرد عقد حرام است (ابن قدامه، [بی تا]: ج ۷، ص ۴۷۳؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۲۳۱)؛ نیز اختلافی نیست در اینکه مادر زن و مادر وی بر فرزند به محض عقد حرام است (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۳۰۳؛ سرخسی، ۱۴۰۶: ج ۴، ص ۱۹۹؛ ابن قدامه، [بی تا]: ج ۷، ص ۴۷۲)

همچنین همه فرق اسلامی اتفاق نظر دارند دختر زن بر شوهر وی به محض عقد حرام نمی شود، مگر اینکه شوهر با زن آمیزش کند (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۳۰۵؛ شافعی، ۱۴۰۳: ج ۵، ص ۱۴۹)؛ ولی اگر آمیزش انجام شود، اتفاق نظر بر حرام بودن دختر است؛ البته اگر قبل از آمیزش به زن نگاه شهوی کند یا بدن او را لمس کند، امامیه (خویی، ۱۴۲۸: ج ۲۴، ص ۱۲۷؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۲۳۱)، شافعیه (شافعی، ۱۴۰۳: ج ۵، ص ۱۴۹) و حنابله (ابن قدامه، [بی تا]: ج ۷، ص ۴۷۳) قایل به عدم تحریم هستند؛ ولی احناف (سرخسی، ۱۴۰۶: ج ۴، ص ۲۰۷) و مالکیه (برهانپوری، ۱۴۱۱: ج ۱، ص ۲۷۴؛ مرغینانی، [بی تا]: ج ۲، ص ۳۶۶؛ زیلعی، ۱۳۱۵: ج ۲، ص ۱۰۶) معتقد به تحریم هستند.

## ۲-۲-۲. محارم سببی موقت

سببی موقت مانند جمع کردن بین دو خواهر به نظر همه مذاهب حرام است (شافعی، ۱۴۰۳: ج ۵، ص ۱۵۰؛ ابن قدامه، [بی تا]: ج ۷، ص ۴۷۸)؛ ولی بین زن و عمه وی یا زن و خاله وی اختلاف نظر وجود دارد؛ همه فرق اهل سنت و برخی مراجع شیعه قایل به عدم جواز و عده ای آن را جایز می دانند (خویی، ۱۴۲۸: ج ۲۴، ص ۱۵۳؛ شافعی، ۱۴۰۳: ج ۵، ص ۱۵۰؛ قسطلانی، ۱۴۳۱: ج ۶، ص ۱۳۲). علامه حلی در قواعد آورده است: «خواهر زن به سبب عقد دائم و منقطع حرام می شود؛ البته مراد از تحریم، جمع کردن میان آن دوست و

فرقی نمی‌کند دخول صورت گرفته باشد یا خیر و فرق نمی‌کند آن خواهر تنی یا ناتنی باشد؛ نیز حرام نمیشود خواهر برادر اگر خواهر خود زن نباشد. جمع بین دو خواهر در ملک یمین اشکالی ندارد و اگر یکی از خواهران را به صورت رجعی طلاق داد، تا مدت انقضای عده رجعی ازدواج با خواهر دیگر حرام است؛ اما اگر طلاق باین بود یا عقد به سببی فسخ شد، ازدواج در عده جایز است؛ اما تا وقتی عده تمام نشده باشد، مکروه است» (علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۳۴). شیخ طوسی نیز در مبسوط نیز به همین مطلب اشاره کرده است (طوسی، [بی تا]: ج ۴، ص ۱۹۶).

### ۳. آیات محرمات رضاعی

درباره رضاع در قرآن آیه‌ای نیامده است؛ ولی در روایتی از رسول اکرم (ص) نقل شده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حَرَّمَ مِنَ الرِّضَاعَةِ مَا حَرَّمَ مِنَ النَّسَبِ: همانا خداوند آنچه را در نسب حرام نموده است، در رضاع نیز حرام کرده است». همه فرق اسلامی این حدیث را پذیرفته‌اند؛ بنابراین تمام محرمات نسبی را به رضاعی سرایت می‌دهند (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۱۹۶؛ الجزیری، ۱۴۱۱: ج ۴، ص ۶۲؛ ابن قدامه مقدسی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۴۷۴؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۲۲۶).

شهید در لمعه آورده است: «حرام می‌شود به سبب رضاع همان اشخاصی که حرام می‌شدند به سبب نسب؛ پس مادر تو از رضاع هر زنی است که تو را شیر داده است یا نسب کسی که به تو شیر داده یا مردی که صاحب شیر است به او بر میگردد یا به کسی که نسب تو به او بر میگردد شیر داده است و فرقی ندارد که او زن باشد یا مرد، مثل مرضعه یکی از پدر یا مادرت یا اجداد پدری یا مادری. و خواهر مرضعه خاله رضاعی است و برادران مرضعه دایی رضاعی هستند و پدر مرضعه اجدادات هستند و پسران مرضعه برادران تو هستند و



دختران او خواهران تو هستند و همچنین جاری است مابقی احکام نسب» (شهید ثانی، ۱۴۰۱: ج ۵، ص ۱۵۵).

علامه حلی در قواعد الأحکام می نویسد: «حرام میشود به سبب رضاع همان چیزهایی که حرام می شدند به سبب نسب؛ پس مادر رضاعی محرم است و مادر رضاعی مختص به صرف مرضعه طفل نیست، بلکه هر زنی که تو را شیر داده یا نسبش به کسی که به تو شیر داده یا مرد صاحب شیر به او رجوع می کند یا اینکه نسب تو به کسی که به تو شیر داده رجوع میکند، همه این موارد مادر رضاعی محسوب می شوند» (علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۲۰).  
با اینکه همه فقها در اصل مسئله اتحاد نظر دارند؛ ولی در مقدار شیردهی موجب حرمت، زمان شیرخواری، حلیت شیر از سوی غیرزانیه، باکره یا بیوه بودن مرضعه، خوردن از سینه یا ابزار و ... اختلاف نظر وجود دارد (نک: الجزیری، ۱۴۱۱: ج ۴، ص ۲۵۵؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۹۸؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۲۲۰؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۲۲۷).

#### ۴. آیات محرمات غیرمربوط به نکاح

افزون بر محرمات نکاح ناشی از قرابت نسبی، رضاعی و سببی، محرمات ناشی از غیرقرابت نیز وجود دارد که از عناوین مورد بحث فریقین است. مصادیق محرمات غیرنکاحی عبارت است از: کفر، احصان، زنا و اکمال عدد، طلاق سوم و نهم، لعان، عده و احرام.

##### ۴-۱. کفر

کفر یکی از اسباب تحریم نکاح است. خداوند متعال می فرماید: «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَّلَ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حَلَّلَ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ

غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (مائده: ۵): امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده است و طعام اهل کتاب، برای شما حلال است و طعام شما برای آنها حلال و [نیز] زنان پاکدامن از مسلمانان، و زنان پاکدامن از اهل کتاب حلال اند؛ هنگامی که مهر آنها را بپردازید و پاکدامن باشید؛ نه زناکار و نه دوست پنهانی و نامشروع گیرید. و کسی که انکار کند آنچه را باید به آن ایمان بیاورد، اعمال او تباه می‌گردد؛ و در سرای دیگر از زیان‌کاران خواهد بود».

نیز در آیه دیگری آمده است: «وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَبَيِّنَاتٍ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ (بقره: ۲۲۱): و با زنان مشرک و بت پرست تا ایمان نیاورده‌اند، ازدواج نکنید. کنیز با ایمان از زن آزاد بت پرست بهتر است؛ هر چند شما را به شگفتی آورد. و زنان خود را به ازدواج مردان بت پرست تا ایمان نیاورده‌اند، در نیاورید. یک غلام با ایمان از یک مرد آزاد بت پرست بهتر است؛ هر چند شما را به شگفتی آورد. آنها دعوت به سوی آتش می‌کنند و خدا دعوت به بهشت و آمرزش به فرمان خود می‌نماید و آیات خویش را برای مردم روشن می‌سازد؛ شاید متذکر شوند».

حرمت نکاح با کافر در این آیه از واژه «مشرک» استنباط می‌شود. این کلمه در لغت به معنای پوشاندن حق است؛ بنابراین همه کفار اعم از کافر ذمی، حربی و همچنین بت پرست و اهل کتاب را دربر می‌گیرد.

ازدواج با کفار به اتفاق فرق اسلامی حرام است (ابن قدامه، [بی تا]: ج ۷، ص ۵۰۳؛ ابن قدامه مقدسی، ۱۳۸۷: ج ۴، ص ۷۵؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۳۹۰). سید مرتضی بر این فتوا ادعای اجماع کرده است (شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ص ۲۷۹؛ مفید، ۱۴۱۳: ص ۵۰۰). درباره افراد مشکوک به کفر مانند زرتشتیان همه فقهای اهل سنت اتفاق نظر دارند

که ازدواج با آنان نیز حرام است (شوکانی، ۱۴۱۴: ج ۲، ص ۳۷۳؛ الجزیری، ۱۴۱۱: ج ۴، ص ۷۵)؛ ولی فقهای امامیه در این باره برخی به جواز و عده‌ای به حرمت فتوا داده‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۲۳۸).

همچنین ازدواج زن مسلمان با مرد کتابی جایز نیست (سرخسی، ۱۴۰۶: ج ۴، ص ۲۱۰؛ ابن انس، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۳۰۶؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۳۹۱). برخی فقهای امامیه ازدواج مرد مسلمان با کتابی را جایز و عده‌ای جایز نمی‌دانند (مفید، ۱۴۱۳: ص ۷۶؛ شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ص ۱۱۷). حلی در شرایع الاسلام آورده است: «بر مسلم جایز نیست که زن غیرکتابی را به عقد خود درآورد و در تحریم زن کتابی یعنی یهود و نصاری دو روایت وجود دارد که روایت مشهورتر در نکاح دایم دال بر منع است و در نکاح منقطع و ملک یمین جواز استفاده می‌شود؛ همچنین حکم مجوس بنا بر مشهورترین روایات نیز مانند اینان است» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۲۳۸).

#### ۲-۴. زنان شوهردار

ازدواج با زن محصنه (زن شوهردار) حرام است. این حکم با استناد به سیاق و عطف از این آیه برداشت می‌شود: «وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ...» (نساء: ۲۴)؛ و نکاح زنان شوهردار نیز [برای شما حرام شد] مگر آن زنانی که [در جنگ‌های با کفار به حکم خدا] متصرف شده‌اید. در این باره اختلافی بین علمای اسلامی دیده نشده است (قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۵، ص ۱۲۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۲۳۴). علامه حلی می‌گوید: «اگر مردی با زنی که شوهر دارد یا در عده طلاق رجعی است زنا کند، آن زن بر آن مرد حرام ابدی می‌شود؛ اما اگر زن در عده طلاق رجعی نباشد یا شوهر نداشته باشد، حرمت ابدی پیش نمی‌آید و فرقی نمی‌کند آن زن در عده طلاق بائن باشد یا خیر؛ حتی اگر آن زن مشهور به زنا هم باشد و اگر زن اصرار بر زنا هم داشته باشد، اصح آن است که

حرمت ابدی پیش نمی‌آید» (علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۳۲). البته با توجه به استثنای آیه، فقهای اهل سنت و برخی فقهیان شیعی معتقدند ازدواج با زنان شوهردار اسیرشده از کفار جایز است (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۸۴؛ نجفی، ۱۳۶۸: ج ۳۰، ص ۲۸۴).

### ۳-۴. ازدواج با زن موطونه شوهردار بعد از جدایی

ازدواج با زن شوهردار که با او زنا شده باشد یا به شبهه با او آمیزش شده باشد یا در عده طلاق رجعی با او عقد و آمیزش صورت گرفته باشد، نزد امامیه حرام ابدی است؛ ولی همه فقهای اهل سنت این ازدواج را جایز می‌دانند (ابن‌رشد، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۳۴؛ نووی، [بی‌تا]: ج ۱۶، ص ۲۲۱).

علامه حلی می‌گوید: «اگر زنی در حالی که می‌داند در عده است، با مردی ازدواج کند، آن مرد بر او حرام می‌شود؛ اما پسر و جد آن مرد بر او حرام نمی‌شوند؛ اما اگر زن نداند در عده است و ازدواج در عده حرام است، اگر آن مرد به او دخول کرده است، حکم همان حکم سابق است؛ اما اگر دخول صورت نگرفته است، ازدواج باطل است و بعد از انقضای عده می‌توانند ازدواج کنند» (علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۳۱).

همچنین اگر با زنی زنا انجام شود، مادر و دختر آن زن بر زانی و پدر و اجداد او و نیز فرزند وی حرام می‌شود؛ نیز اگر مردی با مادر زن خود زنا نماید یا پسر مردی با زن پدرش زنا نماید، زن بر شوهرش نزد احناف (سرخسی، ۱۴۰۶: ج ۴، ص ۲۰۴) و حنابله (ابن‌قدامه، [بی‌تا]: ج ۴، ص ۴۸۲؛ ابن‌قدامه مقدسی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۴۷۷) حرام می‌شود. اما شافعیه به دلیل حدیث نبوی «الحرام لا یحرم الحلال» حرمت را قبول ندارد (شافعی، ۱۴۰۳: ج ۷، ص ۱۵۷؛ نووی، [بی‌تا]: ج ۱۶، ص ۲۲۱). مالک هر دو نظریه را مطرح کرده است و رأی مشخصی ندارد (ابن‌رشد، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۳۴؛ زیلعی، ۱۳۱۵: ج ۲، ص ۱۰۶). امامیه معتقد است زنا قبل

از عقد موجب حرمت می شود؛ ولی زنا بعد از عقد موجب حرمت نمی شود (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۲۸۴؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۳۰۶؛ طوسی، ۱۳۹۰: ج ۳، ص ۱۶۵).

اگر زن به کسی زنا داد و دختر زایید، شافعی و مالک معتقدند زانی می تواند با او ازدواج کند (ابن قدامه [بی تا]: ج ۷، ص ۴۷۸)؛ ولی احناف (سرخسی، ۱۴۰۶: ج ۴، ص ۲۰۶؛ شوکانی، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۳۶۵) حنابله (ابن قدامه، [بی تا]: ج ۷، ص ۴۸۵) و امامیه (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۱۹۰) قایل به حرمت ازدواج هستند.

#### ۴-۴. ازدواج با زن زناکار

زنا از عوامل تحریم است و این آیه در همین باره است: «الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرِّمَ ذَلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ» (نور: ۳): مرد زناکار جز با زن زناکار یا مشرک ازدواج نمی کند و زن زناکار را جز مرد زناکار یا مشرک، به ازدواج خود در نمی آورد و این کار بر مؤمنان حرام شده است».

چون زنا فعل دایم به شمار نمی آید و در حال زنا ازدواج مفهومی ندارد، به نظر می رسد آیه فوق توصیه اخلاقی برای از بین بردن زنا باشد؛ به همین دلیل برخی علمای امامیه و اهل سنت معتقدند در حالتی که زن و مرد شهره به زنا باشند، فقط با هم نوع خود ازدواج کنند، مگر اینکه حد بر آنها جاری شود و توبه کرده باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ج ۱۵، ص ۸۰؛ حسینی روحانی، ۱۴۱۲: ج ۲۱، ص ۳۱۶-۳۱۷؛ زحیلی، [بی تا]: ج ۹، ص ۶۶۴۸؛ نووی، [بی تا]: ج ۱۶، ص ۲۲۱).

#### ۴-۵. اكمال اربعه

خداوند می فرماید: «وَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُفْسِدُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا»

(نساء: ۳): و اگر می‌ترسید که [هنگام ازدواج با دختران یتیم] عدالت را رعایت نکنید، با زنان پاک ازدواج نمایید، دو یا سه یا چهار همسر و اگر می‌ترسید عدالت را رعایت نکنید، تنها یک همسر بگیرید یا از زنانی که مالک آنهاست استفاده کنید؛ این کار از ظلم و ستم بهتر جلوگیری می‌کند».

ازدواج با بیش از چهار زن در یک زمان به اتفاق همه مذاهب اسلامی جایز نیست. محقق حلی در شرایع می‌گوید: «اگر مرد آزاد چهار زن را به عقد دائم گرفت، ازدواج دائم دیگر بر او حرام است» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۲۳۶)؛ ولی اگر یکی از آنها بمیرد یا طلاق بگیرد، به اتفاق اندیشمندان اسلامی بعد از عده، ازدواج با زن پنجم جایز است؛ اما در حال عده امامیه (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۲۹۷؛ کلینی، ۱۳۸۱: ج ۶، ص ۱۴۴) و شافعیه (نووی، [بی‌تا]: ج ۱۶، ص ۲۲۷؛ جصاص، ۱۴۰۵: ج ۲، ص ۱۳۲) ازدواج پنجم را فقط در طلاق رجعی جایز نمی‌دانند؛ ولی دیگر مذاهب (سرخسی، ۱۴۰۶: ج ۴، ص ۲۰۲؛ ابن‌قدامه، [بی‌تا]: ج ۴، ص ۴۴۱) ازدواج پنجم را در همه طلاق‌ها جایز نمی‌دانند. علامه حلی در قواعد الاحکام آورده است: «مرد آزاد اگر با چهار زن به صورت عقد دائم عقد نمود، ازدواج مازاد بر او حرام می‌شود تا اینکه یکی از آن زنان بمیرد یا یکی از آنها را طلاق باین دهد یا عقد یکی از آنها به سببی فسخ شود؛ بنابراین اگر یکی از آنها را طلاق رجعی داد، ازدواج دائم دیگر بر او حلال نیست، مادامی که عده طلاق رجعی تمام نشده باشد و اگر طلاق باین باشد، ازدواج پنجم در حال عده حلال اما مکروه است» (علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۳۶).

#### ۴-۶. طلاق سوم و نهم

همه فقهای اسلامی معتقدند زن با سه طلاق شدن حرام می‌شود، مگر اینکه با کسی دیگر ازدواج کند. اهل سنت سه طلاق در یک مجلس و با یک لفظ را کافی می‌دانند؛ ولی

فقهای امامیه رجوع بعد از هر طلاق را لازم می دانند (فاضل هندی، ۱۳۹۳: ج ۸، ص ۴۰)؛ البته اگر شوهر دوم از دنیا رفت یا زنش را طلاق داد، شوهر اول می تواند با او ازدواج کند. سه طلاق بنا بر مذاهب اهل سنت تا صد طلاق هم می تواند ادامه پیدا کند (مغنیه، ۲۰۰۸: ج ۴، ص ۴۷)؛ اما امامیه معتقد است زن بعد از طلاق نهم حرام ابدی می شود (محقق کرکی، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۳۲۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۱۶). محقق حلی می گوید: «اگر زن آزاد سه مرتبه طلاق داده شود، بر مردی که او را طلاق داده است حرام میشود تا اینکه مردی دیگر با او ازدواج نماید و فرقی ندارد آن زن زوجه مرد آزاد یا عبد بوده باشد. اگر کنیز دوبار طلاق داده شود، بر آن مردی که او را طلاق داده است حرام می شود تا اینکه مردی با او ازدواج کند؛ حتی در جایی که زن زوجه شوهر آزاد بوده باشد؛ اما اگر کسی که طلاق داده شده است، نه مرتبه طلاق داده شود، به گونه ای که دو مرد در فواصل طلاق های سه گانه با او ازدواج کرده باشند، آن زن بر مردی که نه بار او را طلاق داده است، حرام ابدی می شود» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ج ۲، ص ۲۳۷).

#### ۴-۷. لعان

همه فرق اسلامی اتفاق نظر دارند بعد از ملامت زن و مرد باید از هم جدا شوند؛ اما آیا زن بر مرد حرام ابدی می شود؟ شافعی (شافعی، ۱۴۰۳: ج ۵، ص ۲۹۵)، حنابله (ابن قدامه، [بی تا]: ج ۷، ص ۴۴۲؛ ابن قدامه مقدسی، ۱۳۸۷: ج ۷، ص ۴۸۳)، مالکیه (ابن رشد، ۱۴۱۵: ج ۲، ص ۱۲۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴: ج ۱۲، ص ۱۹۴) و امامیه (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۵، ص ۲۳؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴: ج ۱۲، ص ۳۰۵) معتقد به حرام ابدی هستند، هرچند مرد خود را تکذیب کند. علامه حلی می گوید: «هر کسی زن خود را لعان کند، آن زن بر او حرام ابدی میشود؛ همچنین اگر بر زن کرولال به گونه ای اتهام وارد کند که اگر مانع نبود، موجب لعان میشود» (علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۳۱)؛ ولی احناف معتقدند موجب حرمت ابدی نمیشود (سرخسی، ۱۴۰۶: ج ۴، ص ۴۴).

#### ۸-۴. عده

همه فرق اسلامی ازدواج در عده را جایز نمی‌دانند (خویی، ۱۴۲۸: ج ۲۴، ص ۹۱؛ ابن‌انس، ۱۴۱۱: ج ۲، ص ۴۵۷). مالکیه معتقدند اگر در عده ازدواج کند، حرام ابدی می‌شود (جصاص، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۴۲۵). حنفیه و شافعیه می‌گویند بعد از پایان عده دوباره ازدواج کنند (شوکانی، ۱۴۱۴: ج ۶، ص ۲۳۸؛ نووی، [بی‌تا]: ج ۱۸، ص ۱۹۱). حنابله اعتقاد دارند باید حد جاری شود؛ ولی موجب حرمت ابدی نمی‌شود (ابن‌قدامه، [بی‌تا]: ج ۹، ص ۱۲۱؛ جصاص، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۴۲۵)؛ اما امامیه معتقد است عقد در عده رجعی و بائن موجب حرمت ابدی است (طوسی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۳۲۱؛ شهید ثانی، ۱۴۰۱: ج ۵، ص ۱۹۷).

#### ۹-۴. احرام

شافعیه، مالکیه و حنابله احرام حج و عمره را مانع ازدواج و آن را باطل می‌دانند (شافعی، ۱۴۰۳: ج ۵، ص ۸۴؛ ابن‌انس، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۳۴۸؛ ابن‌حنبل، ۱۴۱۶: ج ۱، ص ۶۹؛ قشیری نیشابوری، [بی‌تا]: ج ۴، ص ۱۳۶)؛ ولی ابوحنیفه احرام را مانع ازدواج نمی‌داند (سرخسی، ۱۴۰۶: ج ۴، ص ۱۹۱). امامیه در حالت علم به تحریم قایل به حرمت ابدی است؛ ولی در جهل به حرمت فقط عقد را باطل می‌داند؛ بنابراین بعد از احرام باید عقد جاری کنند (خویی، ۱۴۲۸: ج ۲۴، ص ۱۱۸؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۴، ص ۲۲۲). علامه حلی می‌گوید: «اگر کسی در احرام واجب یا مستحب چه در احرام حج یا عمره، چه احرام درست باشد یا نه، زنی را عقد کند و عالم به تحریم باشد، آن زن بر او حرام ابدی می‌شود؛ حتی اگر به او دخول نیز نکرده باشد؛ اما اگر جاهل به حرمت باشد، عقد او فاسد است؛ اما جایز است بعد از خارج شدن از احرام به آن زن بازگردد؛ البته در همین حالت اگر دخول صورت گرفته باشد، گفته شده است حرمت ابدی پیش می‌آید» (علامه حلی، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۳۲).



## نتیجه

نتایج ذیل در بررسی تطبیقی آثار اندیشمندان اسلامی عرضه شدنی است:

۱. محارم نسبی به اتفاق فریقین حرام ابدی هستند؛ چه اینکه این افراد به عقد صحیح قرابت یافته باشند یا از طریق غیر شرعی چنین قرابتی ایجاد شده باشد.
۲. درباره محارم سببی دایم باز هم اتفاق نظر وجود دارد که به مجرد عقد حرام می شوند؛ همچنین همه فرق اسلامی اتفاق نظر دارند دختر زن بر شوهرش به محض عقد حرام نمی شود، مگر اینکه شوهر با زن آمیزش کند؛ اما با آمیزش اتفاق نظر وجود دارد که دختر حرام می شود؛ البته اگر قبل از آمیزش به زن نگاه شهوی کند یا بدن او را لمس کند، احناف و مالکیه قایل به تحریم هستند.
۳. درباره محارم سببی مانند جمع کردن بین دو خواهر به نظر همه مذاهب حرام است؛ ولی بین زن و عمه وی یا زن و خاله وی اختلاف نظر وجود دارد؛ همه فرق اهل سنت و برخی مراجع شیعه قایل به عدم جواز و عده ای آن را جایز می دانند.
۴. درباره محرمات رضاعی همه فرق اسلامی حدیث پیامبر را پذیرفته اند؛ بنابراین تمام محرمات نسبی را به رضاعی سرایت می دهند؛ ولی در مقدار شیردهی موجب حرمت، زمان شیرخواری، حلیت شیر از سوی غیرزانیه، باکره یا بیوه بودن مرضعه، خوردن از سینه یا ابزار و... اختلاف نظر وجود دارد.
۵. درباره محارم غیرمربوط به نکاح مانند کفر باید گفت ازدواج با کفار به اتفاق فرق اسلامی حرام است؛ همچنین در مورد مشکوکین به کفر مانند زرتشتیان، همه فقهای اهل سنت اتفاق نظر دارند ازدواج با آنان نیز حرام است. ولی ازدواج زن مسلمان با مرد کتابی به اتفاق جایز نیست و ازدواج مرد با زن کتابی از یهود و مسیحیت نزد همه فرق اهل سنت جایز است؛ اما برخی فقهای امامیه جایز و عده ای جایز نمی دانند.

۶. ازدواج با زن محصنه (شوهردار) حرام است و اختلافی بین اندیشمندان اسلامی در این باره دیده نشده است؛ البته با توجه به استثنای آیه، فقهای اهل سنت و برخی فقیهان شیعی معتقدند ازدواج با زنان شوهردار اسیر شده از کفار جایز است.

۷. ازدواج با زن شوهردار که با او زنا شده باشد یا به شبهه با او آمیزش شده باشد یا در عده طلاق رجعی با او عقد و آمیزش صورت گرفته باشد، نزد امامیه حرام ابدی است؛ ولی همه فقهای اهل سنت این ازدواج را جایز می‌دانند. همچنین اگر با زنی زنا صورت گیرد، مادر و دختر آن زن بر زانی و پدر و اجداد او و نیز فرزند وی حرام می‌شود. نیز اگر مردی با مادر زن خود زنا نماید یا پسر مردی با زن پدرش زنا نماید، زن بر شوهرش نزد احناف حرام می‌شود؛ اما شافعیه حرمت را قبول ندارد و مالک هر دو نظریه را مطرح کرده است. نظر امامیه این است که زنا قبل از عقد موجب حرمت می‌شود؛ ولی زنا بعد از عقد موجب حرمت نمی‌شود. نیز اگر زن به کسی زنا داد و دختر زایید، شافعی و مالک معتقدند زانی می‌تواند با او ازدواج کند؛ ولی احناف، حنابله و امامیه قایل به حرمت ازدواج هستند.

۸. درباره زناکار برخی از علمای امامیه و اهل سنت معتقدند در حالتی که زن و مرد شهرة به زنا باشند، فقط با هم نوع خود ازدواج کنند، مگر اینکه حد بر آنها جاری شود و توبه کرده باشند.

۹. ازدواج با بیش از چهار زن در یک زمان به اتفاق همه مذاهب اسلامی جایز نیست؛ ولی اگر یکی از آنها بمیرد یا طلاق بگیرد، به اتفاق اندیشمندان اسلامی بعد از عده، ازدواج با زن پنجم جایز است؛ اما در حال عده، امامیه و شافعیه ازدواج پنجم را در فقط طلاق رجعی جایز نمی‌دانند؛ ولی دیگر مذاهب ازدواج پنجم را در همه طلاق‌ها جایز نمی‌دانند.

۱۰. همه فقهای اسلامی معتقدند وقتی زن سه طلاقه شد، حرام می‌شود، مگر اینکه با کسی دیگر ازدواج کند. اهل سنت سه طلاق را در یک مجلس کافی می‌دانند؛ ولی امامیه بعد از هر طلاق ارتباط را لازم می‌داند. البته سه طلاق بنا بر مذاهب اهل سنت تا صد طلاق هم می‌تواند ادامه پیدا کند؛ اما امامیه معتقد است زن بعد از طلاق نهم حرام ابدی می‌شود.

۱۱. همهٔ فرق اسلامی اتفاق نظر دارند بعد از ملاعنه زن و مرد باید از هم جدا شوند. شافعی، حنابله و مالکیه معتقد به حرام ابدی هستند، هرچند مرد خود را تکذیب کند؛ ولی احناف معتقدند موجب حرمت ابدی نمی‌شود.

۱۲. همهٔ فرق اسلامی ازدواج در عده را جایز نمی‌دانند. مالکیه معتقدند اگر در عده ازدواج کند، حرام ابدی می‌شود. حنفیه و شافعیه می‌گویند بعد از پایان عده دوباره ازدواج کنند. حنابله اعتقاد دارند باید حد جاری شود؛ ولی موجب حرمت ابدی نمی‌شود. امامیه معتقد است عقد بر عده رجعی و بائن موجب حرمت ابدی است.

۱۳. شافعیه، مالکیه و حنابله احرام حج و عمره را مانع ازدواج و آن را باطل می‌دانند؛ ولی ابوحنیفه احرام را مانع ازدواج نمی‌داند. امامیه در حالت علم به تحریم قایل به حرمت ابدی است؛ ولی در زمان جهل به حرمت فقط عقد را باطل می‌داند؛ بنابراین بعد از احرام باید عقد جاری کنند.

۱۴. مستند فقهای امامیه قرآن و روایات معصومان است و در فتوای فقهای اهل سنت افزون بر قرآن و روایات نبوی و نظر صحابه، استحسان هم دخیل است.

## کتاب نامه

\* قرآن کریم

١. ابن اثیر، مبارک بن محمد (١٣٦٤ ش)؛ النهاية في غريب الحديث والأثر؛ قم: مؤسسه اسماعیلیان.
٢. ابن انس، مالک (١٤٠٦ ق)؛ الموطأ؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی.
٣. — (١٤١١ ق)؛ المدونة الكبرى؛ بیروت: دار الفکر.
٤. ابن حنبل، احمد بن محمد (١٤١٦ ق)؛ مسند الامام احمد بن حنبل؛ ج اول، بیروت: مؤسسه الرسالة.
٥. ابن رشد، محمد بن احمد (١٤١٥ ق)؛ بداية المجتهد و نهاية المقتصد؛ بیروت: دار الفکر.
٦. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا (١٣٦٦ ق)؛ مقایس اللغة؛ مصر: دار الاحیاء.
٧. ابن قدامه مقدسی، عبدالرحمن بن محمد (١٣٨٧)؛ الشرح الكبير؛ قم: دار الكتاب العربی، چاپ الکترونیکی مؤسسه فرهنگي و اطلاع رسانی تبیان.
٨. ابن قدامه، عبدالله بن احمد [بی تا]؛ المغنی؛ بیروت: دار الكتاب العربی.
٩. ابن منظور، محمد بن مکرم (١٤٠٥ ق)؛ لسان العرب؛ قم: نشر ادب الحوزه.
١٠. برهانپوری، نظام (١٤١١ ق)؛ الفتاوی الهندیة فی مذهب الإمام الأعظم أبي حنيفة النعمان؛ بیروت: دار الفکر.
١١. الجزیری، عبدالرحمن (١٤١١)؛ الفقه علی المذاهب الاربعة؛ بیروت: دار الفکر.
١٢. جصاص، احمد بن علی (١٤٠٥ ق)؛ أحكام القرآن؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی.
١٣. جوهری، اسماعیل بن حماد (١٤٠٧ ق)؛ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية؛ بیروت: دار العلم للملایین.
١٤. حسینی روحانی، سید محمد صادق (١٤١٢ ق)؛ فقه الصادق (ع)؛ قم: دار الكتاب.
١٥. حلی (محقق حلی)، جعفر بن حسن (١٤٠٨ ق)؛ شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام؛ ج ٢، [بی جا]: اسماعیلیان.
١٦. حلی، حسن بن یوسف (١٤١٣ ق)؛ قواعد الأحكام؛ قم: مؤسسه نشر اسلامی.
١٧. خوئی، سید ابوالقاسم (١٤٢٨ ق)؛ شرح عروه الوثقی؛ نجف: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
١٨. رازی، محمد بن عمر (١٤٢٠ ق)؛ مفاتیح الغیب؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی.
١٩. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (١٣٧٨ ش)؛ المفردات فی غریب القرآن؛ تهران: مؤسسه فرهنگي آرایه.

۲۰. زحيلي، وهبه [بى تا]: الفقه الإسلامى و أدلته؛ دمشق: دار الفكر.
۲۱. زيلعى، عثمان بن على (۱۳۱۵ ق)؛ تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق؛ مصر: المطبعة الكبرى الاميرية.
۲۲. سرخسى، محمد بن احمد (۱۴۰۶ ق)؛ المبسوط؛ بيروت: دارالمعرفة.
۲۳. شافعى، محمد بن ادريس (۱۴۰۳ ق)؛ الأم؛ بيروت: دار الفكر.
۲۴. شريف مرتضى، على بن حسين (۱۴۱۵ ق)؛ الإنتصار فى انفرادات الإمامية؛ قم: دفتر انتشارات اسلامى.
۲۵. شوكانى، محمد بن على (۱۴۱۴ ق)؛ فتح القدير الجامع بين فنى الرواية و الدراية من علم التفسير؛ دمشق: دار ابن كثير.
۲۶. — (۱۴۲۱ ق)؛ نيل الاوطار من احاديث سيد الاخبار؛ ج دوم، بيروت: دار الكتاب العربى.
۲۷. طباطبايى، سيد محمد حسين (۱۴۱۷ ق)؛ الميزان فى تفسير القرآن؛ ترجمه: سيد محمد باقر موسى همدانى؛ قم: دفتر انتشارات اسلامى.
۲۸. طوسى، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۷ ق)؛ الخلاف؛ قم: دفتر انتشارات اسلامى.
۲۹. — [بى تا]؛ المبسوط فى فقه الإمامية؛ تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۳۰. — (۱۳۹۰ ق)؛ الاستبصار؛ [بى جا]؛ دار الكتب الاسلامية.
۳۱. عاملى جبعى (شهيد ثانى)، زين الدين بن على (۱۴۰۱ ق)؛ الروضة البهية فى شرح اللمعة الدمشقية؛ ج ۵، قم: مكتبة الداوري.
۳۲. — (۱۴۱۳ ق)؛ مسالك الأفهام الى آيات الأحكام؛ تهران، مؤسسة المعارف الاسلامية.
۳۳. غضنفرى، على (۱۳۹۹)؛ آيات فقهى قرآن؛ تهران: زمينه سازان ظهور امام عصر (عج).
۳۴. فاروقى، حارث سليمان (۱۹۹۱ م)؛ المعجم القانونى؛ بيروت: مطابع تىپو پرس.
۳۵. فاضل هندى، محمد بن حسن (۱۳۹۳)؛ كشف اللثام و الإيهام عن قواعد الاحكام؛ قم: دفتر تبليغات اسلامى.
۳۶. قرطبى، محمد بن احمد (۱۳۶۴ ش)؛ الجامع لأحكام القرآن؛ تهران: ناصر خسرو.
۳۷. قسطلانى، احمد بن محمد (۱۴۳۱)؛ إرشاد السارى لشرح صحيح البخارى؛ بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.

٣٨. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج [بی تا]؛ صحیح مسلم؛ بیروت: دار الفکر.
٣٩. کرکی (محقق)، علی بن حسین (١٤١٤ ق)؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ ج دوم، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث.
٤٠. کلینی، محمد بن یعقوب (١٣٨١ ق)؛ کافی؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه.
٤١. مرغینانی، برهان الدین [بی تا]؛ الهدایة فی شرح بداية المبتدی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٤٢. مغنیه، محمد جواد (١٤٢٩ ق)؛ الفقه علی المذاهب الخمسه؛ بیروت: دار الجواد، دار التیار.
٤٣. مفید، محمد بن محمد (١٤١٣ ق)؛ المقنعة؛ قم: کنگره جهانی هزارة شیخ مفید.
٤٤. نجفی، محمد حسن (١٣٦٨ ق)؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
٤٥. نووی، یحیی بن شرف [بی تا]؛ المجموع شرح المذهب؛ بیروت: دار الفکر.